



Looking at justice from the perspective of Ali in Nahj al-Balagheh compared to contemporary cultural politics of the country

Zahra Ghorbani ^{a*}

^a Member of the Faculty of Sociology Department of Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

justice,
cultural politics,
Nahj al-Balagha,
cultural identity,
cultural life,
cultural security.

ABSTRACT

The topic of justice has been one of the most important topics and concerns of human beings and social and political thinkers since long ago, and various opinions and ideas have been expressed and written about it. Hazrat Ali has been prominent in human history as a thinker whose name is always associated with justice. This study aims to do a comparative investigation of justice from these two perspectives with the method of document study and content analysis of contemporary cultural policy models and patterns and analysis of Amir al-Mu'minin's biography in Nahj al-Balagheh regarding the issue of justice. The findings show that fair access is the first principle for justice that is emphasized in all national and international theories, ideas, and documents. This equality includes all stages of cultural production and creativity, cultural distribution and consumption, which will ultimately lead to the development of cultural life. According to Imam Ali, the criterion for policy-making and the main and ultimate goal of governance is the establishment and expansion of justice. He considers government as a way to establish justice and serve the society. According to the imam, justice is the principle that can maintain the balance of society and ensure everyone's satisfaction. The imam considered all goodness to be in the shade of justice and fairness and introduced it as the noblest principle in bringing the individual and society to perfection. Because it is in the light of justice that everything is placed in its right channel and the rights of everyone who has rights are paid, and the foundation of perfection is prepared for everyone, and the governments become stable and the society progresses. The findings indicate that cultural development in contemporary cultural policymaking is achieved through the three major cultural policies, namely identity, life and cultural security, and the view of justice can be traced more than the path of prosperity and development of cultural life in cultural policymaking. Also, the view of justice in the policy system remains at the level of ideals and is poorly implemented in the operationalization stage. While justice has a wider scope from Mola Ali's point of view and is an important principle affecting all three areas of cultural development, which includes identity, life and cultural security.

* Corresponding author. Tel.: 09191280252

E-mail address: z-ghorbani@araku.ac.ir

Received: March 12, 2023; Received in revised form: May 8, 2023; Accepted: June 17, 2023

Article type: Research Paper

© Author





نگاه به عدالت از منظر علی (ع) در نهج البلاغه در مقایسه با سیاست‌گذاری فرهنگی معاصر کشور

زهرا قربانی الف*

الف استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
عدالت، سیاست‌گذاری فرهنگی، نهج البلاغه، هویت فرهنگی، حیات فرهنگی، امنیت فرهنگی.	موضوع عدالت از دیرزمان جز مهم‌ترین مباحث و دغدغه‌های بشر و اندیشمندان اجتماعی و سیاسی بوده است. حضرت علی(ع) نیز به‌عنوان یکی از متفکران بزرگ اسلام همواره نامش قرین عدالت می‌باشد. این مطالعه توصیفی-تحلیلی با روش اسنادی و به دنبال تحلیل محتوای الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی معاصر و واکاوی سیره امیرالمومنین علی(ع) در نهج البلاغه در خصوص عدالت، به بررسی تطبیقی عدالت از این دو منظر می‌پردازد. علی(ع) همه نیکی‌ها را در سایه عدالت‌خواهی و عدالت‌گرایی دانسته و آن را شریف‌ترین اصل در به کمال رساندن فرد و جامعه معرفی کرده‌اند؛ زیرا در پرتو عدالت است که همه چیز در مجرای صحیح خود قرار می‌گیرد و حق هر ذی‌حقی ادا می‌شود و بستر کمال برای همگان مهیا می‌شود و دولت‌ها پایدار می‌شوند و جامعه آهنگ پیشرفت می‌گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که در سیاست‌گذاری فرهنگی معاصر، پیشرفت فرهنگی از مسیر سه سیاست فرهنگی یعنی هویت، حیات و امنیت فرهنگی محقق می‌شود و نگاه به عدالت بیشتر از مسیر رونق و توسعه حیات فرهنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی قابل‌رديابی است. همچنین نگاه به عدالت در نظام سیاست‌گذاری در سطح آرمان‌ها باقی‌مانده و در مرحله عملیاتی شدن ضعیف عمل می‌شود. در صورتی که عدالت از منظر علی(ع) گستره وسیع‌تری دارد و هدف غایی و اصل مهم و اساسی موثر بر هر سه عرصه توسعه فرهنگی یعنی هویت، حیات و امنیت فرهنگی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲	

۱- مقدمه

موضوع عدالت از دیرزمان جز مهم‌ترین مباحث و دغدغه‌های بشر و اندیشمندان اجتماعی و سیاسی بوده است و آرا و نظریات گوناگونی درباره آن بیان شده و به رشته تحریر درآمده است. حضرت علی علیه‌السلام گذشته از این که امام معصوم شیعیان است، در تاریخ بشر به‌عنوان یک متفکر مطرح بوده که همواره نامش قرین عدالت می‌باشد. این مطالعه بر آن است تا با روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای مدل‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی معاصر و واکاوی سیره امیرالمومنین علی علیه‌السلام در نهج البلاغه در خصوص مسئله عدالت، به بررسی تطبیقی عدالت از این دو منظر بپردازد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که دسترسی عادلانه اصل اولی برای عدالت است که در تمام نظریات، اندیشه‌ها، و سندهای ملی و بین‌المللی بر آن تأکید شده است. این برابری تمام مراحل تولید و خلاقیت فرهنگی، توزیع و مصرف فرهنگی را شامل می‌شود که در نهایت منجر به توسعه حیات فرهنگی خواهد شد. از نظر امام علی(ع) ملاک سیاست‌گذاری و هدف اصلی و غایی حکمرانی برقراری و گسترش عدالت است. ایشان حکومت را راهی برای برقراری عدالت، احقاق حق، و خدمت به اجتماع می‌دانند. از نظر

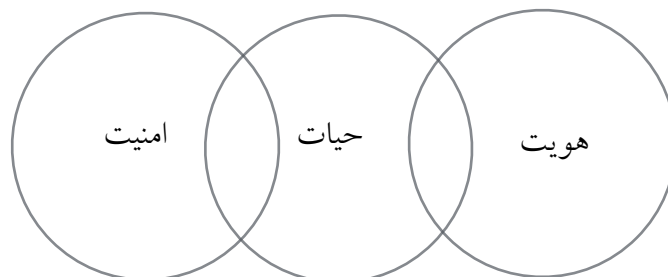
امام اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند، رضایت همه را تأمین کند و به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش بخشد، عدالت است.

۲- بیان مسئله

چالش اصلی در عرصه فرهنگ، توزیع نابرابر فرهنگ در سرتاسر جامعه و بلکه در میان ملل جهان است. در دسترس بودن فرهنگ و منابع شناسایی ارزش فرهنگ اصولاً کمیاب است. توانایی رشد کامل در مقام مشارکت‌کننده‌ای فعال در فرهنگ و بهره‌برداری از فرهنگ به‌منظور رشد کامل ظرفیت بشری محدود است. فقر، انزوا و فقدان آموزش و پرورش موانع جدی بر سر راه مشارکت تمام و کمال در عرصه فرهنگ است و منجر به نابرابری‌ها خواهد شد. لذا، رونق بایستی برای همگان باشد و به فرصت‌های فرهنگی بیشتر منجر شود. اما، لازمه در دسترس همگان قرار گرفتن، مردم‌سالار کردن برنامه مدار فرهنگ است. در نظام جهانی این چالش با پیوستن کشورهای آفریقایی، امریکای لاتین و آسیایی به برنامه‌های سازمان ملل متحد مشخص شد. اختلافات در منابع و زیرساخت‌هایی که در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود داشت، منشأ این بحث بود که چگونه می‌توان با این نابرابری‌ها برخورد کرد؟ برای مثال، توسعه کمی و کیفی مدارس، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مراکز فرهنگی و هنری و رسانه‌های ملی و محلی می‌توانست دستور کار برابری فرهنگی باشد، که از طرفی نفوذ فرهنگی رسانه‌های جمعی که طبعاً به‌صورت محلی و بومی تولید و توزیع نمی‌شدند، بروز می‌کرد.

از منظر ما، دین هسته اصلی و مقوم فرهنگ ایرانی ماست و با لحاظ کردن این وجه تمایز عمده، تفاوت‌های در سیاست‌گذاری فرهنگی ما با سایر کشورها تقویت می‌شود. فرهنگ ایرانی نیز توسط تغییرات اقتصادی، سیاسی و فناورانه جهانی در معرض تهدید و خطر است. پس این شرایط محتاج سرمایه‌گذاری همگانی و برنامه‌ریزی دولتی است و به تعبیر بهتر، محتاج سیاست‌گذاری فرهنگی است. با آگاهی از اینکه فرهنگ ایرانی در معرض تهدید است، اما کمتر روی آن سرمایه‌گذاری شده و به صورتی نابرابر در جامعه توزیع گشته است. لذا نیازمند یک تعامل همه‌جانبه برای ایجاد تعریف ثابتی از فرهنگ و یکدست کردن برداشت‌ها از فرهنگ هستیم و باید گفتمان فرهنگی حاکم بر سیاست‌گذاری فرهنگی خودمان را تقویت و همگانی نماییم. سیاست‌گذار ایرانی به‌صورت تاریخی فرهنگ را از دریچه ثبات نگر بسته و از این‌رو تغییرات فرهنگی چالش عمده دوران ماست. پس لازم است تا چالش‌های دقیق سیاست‌های فرهنگی ایران، یعنی تغییرات فرهنگی و پاسخ به این چالش‌ها را به کمک سیاست فرهنگی مدیریت کنیم.

در نظام جمهوری اسلامی ایران که دولت مصمم به طراحی و اجرای سیاست فرهنگی است، طبق منطق سیاست‌گذاری، بایستی در تعقیب خیر عمومی در بخش فرهنگ باشد. خیر عمومی در فرهنگ در واقع مفصل‌بندی شیوه‌های خاصی است که طی آن فرهنگ در خیر عمومی جامعه سهیم می‌شود. خیر عمومی از منظر سیاست فرهنگی، یعنی همان ارزش‌ها و باورهایی که ماهیت یا بنیان سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد. عمده سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان بر مبنای ارزش‌های اولیه هویت، حیات و امنیت فرهنگی از هم تفکیک کرد. این ارزش‌ها بازتاب نقش ویژه‌ای است که فرهنگ در زندگی بشر دارد.



شکل ۱ ارزش‌های اساسی فرهنگ

هویت فرهنگی نخستین مولفه یا سیاست کلان در الگو و مدل سیاست‌گذاری فرهنگی ایران است. هویت وجه تمایز بخش فرهنگی یک ایرانی مسلمان است. لذا ردپای سیاست‌های فرهنگی هویت در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی ایران بسیار مهم است. این سیاست کلان وجه تمایز سیاست‌گذاری فرهنگی ایران با سایر کشورهاست و بسیاری از سیاست‌های فرهنگی ایران حول تقویت و تدقیق هویت فرهنگی اسلامی- ایرانی به‌عنوان کلان‌ترین هدف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در کشور است. سیاست‌های هویت فرهنگی در واقع به دنبال تعادل پویا میان دو زیر مقوله کلان همبستگی و تنوع فرهنگی در کشور هستند. همبستگی فرهنگی مستلزم افتخار به فرهنگ ملی، اقتدار فرهنگ مرکزی و درنهایت امتزاج حاصل از تعامل هویت‌های فرهنگی متعدد در جغرافیای ایران اسلامی است و مشارکت آن‌ها، شکل‌گیری فرهنگ ملی را رقم خواهد زد. سیاست‌های تنوع فرهنگی نیز در شکل‌گیری هویت فرهنگی از طریق ایجاد تساهل، تفاهم و تعاون نقش خواهند داشت.

دومین مقوله کلان در الگوی سیاست‌های فرهنگی، حیات فرهنگی است. این سیاست فرهنگی به جریان واقعی فرهنگ در جامعه اختصاص دارد. اینکه در عمل چگونه فرهنگ را تولید و توزیع و تجربه کنیم. جامعه پویا نیازمند وجود زمینه‌ها و فعالیت‌های متعدد فرهنگی است. از این دید ما با نظام سیاست‌گذاری فرهنگی سازمان ملل و سایر کشورها، بالأخص نظام سیاست‌گذاری فرهنگی غرب همخوانی داریم. بسیاری از سیاست‌های فرهنگی سازمان ملل و کشورهای غربی معطوف به رونق حیات فرهنگی است؛ یعنی تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی و حمایت و ترویج فعالیت‌های فرهنگی در انواع مختلف سهم بزرگی در سیاست‌های فرهنگی آن‌ها و ما دارد. حیات فرهنگی از دو بعد عدالت فرهنگی و رونق فرهنگی تشکیل می‌شود. پس ردپای عدالت در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی از طریق سیاست حیات فرهنگی محقق می‌شود. عدالت در توزیع و توسعه فعالیت‌های فرهنگی همواره باید مورد توجه باشد. لذا سیاست‌های حمایتی باید طیف وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی به‌ویژه فعالیت‌هایی که انتفاع کمتری به همراه دارند را مورد توجه قرار دهد. و از سوی دیگر دسترسی عادلانه به زیرساخت‌ها و فعالیت‌های فرهنگی را برای گروه بیشتری از مردم به ارمغان آورد.

سومین مقوله کلان در الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی، امنیت فرهنگی است. امنیت ضروری‌ترین نیازهای بشر است. مفهوم امنیت با تغییر پیوند خورده است. مقوله تغییر فرهنگی مسئله مهمی در مطالعات حوزه فرهنگ است. تغییر فرهنگی به‌ویژه براه تماس با فرهنگ‌های پیرامونی و رقیب اتفاق می‌افتد. امنیت فرهنگی دو سیاست اصلی نفوذ گری و مدیریت نفوذپذیری را شامل می‌شود. نفوذ گری یعنی مشارکت در ساخت فرهنگ جهانی و تحت تأثیر قرار دادن آن توسط چارچوب‌های ارزشی و رفتاری فرهنگ ملی است. مدیریت نفوذپذیری معطوف به مدیریت تغییرات دارای منشأ بیرونی است که منجر به تغییرات بومی شده و در منظومه فرهنگ ملی تناقض ایجاد می‌کند. (آشنا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸-۱۳)

لذا چنانچه بخواهیم الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و جایگاه عدالت را در آن نشان دهیم، ماتریسی به شکل زیر خواهد بود. همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد عدالت در جریان سیاست‌گذاری از مسیر حیات فرهنگی و از طریق دسترسی عادلانه به امکانات، محصولات و حمایت‌های فرهنگی محقق می‌شود. جریان عدالت در سیاست‌گذاری فرهنگی باید در تلاقی فرهنگ با تمامی مسائل در حوزه‌های مختلف دین، اقتصاد، اجتماع، سیاست، هنر و رسانه لحاظ و برای آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود تا بتوان ادعا نمود که گفتمان و رویکرد عدالت محوری در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشور جاری و ساری است.

مسائل						زیر سیاست	سیاست‌ها
فرهنگ و رسانه	فرهنگ و هنر	فرهنگ و اقتصاد	فرهنگ و سیاست	فرهنگ و اجتماع	فرهنگ و دین		
						همبستگی فرهنگی	هویت فرهنگی
						تنوع فرهنگی	
						عدالت	حیات فرهنگی
						رونق	

						نفوذ گری	امنیت فرهنگی
						مدیریت	
						نفوذ پذیری	

شکل ۲ الگوی پیشنهادی سیاست‌گذاری و سنجش فرهنگی در ایران (آشنا و همکاران، ۱۳۹۷)

۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

فرهنگ و عدالت چنان درهم تنیده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. عدالت نه تنها در عرصه فرهنگ بلکه در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی بشر جاری و ساری است. عرصه فرهنگ بیش از دیگر عرصه‌های اجتماعی بر محور ارزش‌ها قرار گرفته است و از آنجایی که سیاست‌گذاری را توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها می‌دانند و سیاست فرهنگی مبتنی بر گفتمان‌ها و رویکردهایی «در قدرت نام‌گذاری، قدرت بازنمایی عقل سلیم، قدرت ایجاد قرائت‌های رسمی، قدرت بازنمایی جهان اجتماعی مشروع» است (بارکر، ۱۳۸۷: ۷۳۱)، لذا باید در ابتدای هر سیاست پژوهی در عرصه فرهنگ، پیش از شناخت الگوهای مربوط به شناسایی مسائل، گفتمان و سپس رویکردهای حاکم بر آن پرداخت.

در اهمیت شناخت رویکردهای سیاست‌گذاران، منتسکیو اندیشمند فرانسوی، وجود ساختار ذهنی برای دولت را که می‌تواند به تعیین سیاست‌های خاصی منتهی شود، اشاره می‌کند و آن را از ملزومات ساختار ذهنی می‌داند. هر یک از دولت‌ها دارای یک «اصل» یعنی مجموعه‌ای از باورهاست که در کلیتشان نظام هنجاری را برای نوع حکومتی که وجود دارد تشکیل می‌دهند و برای آنکه دولت بتواند نظم اجتماعی مستدامی داشته باشد، این از ضروریات آن است. این اصول هم حاوی ارزش‌ها و هم آن چیزی است که در جامعه «شناخت» تلقی می‌شود. این اصول انسان‌ها را وادار می‌کند که به شیوه‌های معینی عمل کنند (همیلتون، ۱۳۸۰: ۲۲). از این رو، نظام سیاست‌گذاری فرهنگی ایران نیز باید بر پایه مبانی، اصول و ارزش‌هایی باشد که مبنای سیاست‌های فرهنگی در ایران را شکل می‌دهند.

مرور سیاست‌گذاری فرهنگی ایران نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی ایران نیز بر پایه گفتمان و رویکردهایی بنا شده است. حوزه فرهنگ یکی از حوزه‌های مهم در عرصه سیاست‌گذاری عمومی کشور به شمار می‌آید. یکی از دلایل اصلی این است که انقلاب اسلامی ایران بیش از اینکه انقلابی سیاسی باشد یک انقلاب فرهنگی است. این امر سبب شده تا فرهنگ و مسائل خرد و کلان آن همواره مورد توجه سیاست‌گذاری در ایران باشد. بنابراین، سیاست‌گذاری فرهنگی ایران به‌عنوان یک برآیند از تاریخ سیاسی و فرهنگی دولت و ملت این سرزمین ویژگی‌هایی دارد که کمتر دولت و ملتی از آن برخوردارند. منشأ شکل‌گیری این ویژگی‌ها را می‌توان مواردی چون: قدمت فرهنگی و سیاسی ایرانیان، تغییرات و تحولات بزرگ و کوچک در آن، عدم پذیرش کامل روندهای مدرنیزاسیون و گاه تقابل با آن، تکثر فرهنگی ناشی از تکثر قومیتی، وجود حس استقلال در هویت فرهنگی (در سطح بین‌الملل) که ناشی از حس برتری فرهنگی و تمدنی است، تقابل اسلامیت و ایرانیت و تلاش برای تلفیق آن دو، سلطه دین در زندگی اجتماعی و سیاسی دولت و ملت ایرانی و روی کار بودن حکومتی شیعی در منطقه‌ای با ویژگی‌های سیاسی خاص دانست. این عوامل بستری شده تا در ایران سیاست‌گذاری فرهنگی رویکردی کاملاً دینی- مذهبی داشته باشد و ساختاری که با این رویکرد به وجود آمده سعی در اتخاذ سیاست‌هایی نموده که بتواند از پس مشکلات و مسائل خرد و کلان این بخش برآید؛ اما به دلیل آنکه اجماعی در خصوص تئوری یا حتی دکتترین غالب برای تنظیم و تعیین ساختارهای عینی و ذهنی در سطح سیاست‌گذاری فرهنگی به وجود نیامده و یا دکتترین‌ها و تئوری‌های موجود نتوانسته‌اند اجماع مناسب را در میان سیاست‌گذاران از یکسو و مردم از سوی دیگر به دست آورند، بسیاری از مسائل فرهنگی در میان دولت و ملت جاری است و راه‌حلی نیافته و روزبه‌روز بر عمق آن‌ها افزوده و با توجه به شرایط به وجود آمده از طرف فناوری‌های جدید، پیچیده‌تر می‌شوند (غلامپور آهنگر، ۱۳۹۶: ۵۷).

یکی از این مسائل، موضوع عدالت است. عدالت برای جامعه‌ای که می‌خواهد پایه‌های حکومتی و مناسبات فرهنگی و اجتماعی خود را بر مبنای دینی و دستورات الهی پایه‌گذاری کند، بسیار ضروری است. این اهمیت تا بدان جاست که علی (ع) یکی از دلایل اصلی پذیرش حکومت از سوی خود را برقراری توازن و از بین بردن شکاف‌های میان دوطبقه ستمگر و مظلوم عنوان می‌کنند (خطبه/ ۳). از منظر ایشان، عدالت است که کارها را در آنجا که باید می‌نهد و سود همگان در سایه آن تامین

می‌گردد (حکمت/ ۴۳۷). عدل زیبایی و جمال حکمرانی است (غرالحکم: ۵۰) و زیبایی سیاست به رعایت عدالت در حکومت است (آمدی، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

عدالت دارای ابعاد مختلفی است، از جمله این ابعاد می‌توان به ابعاد سیاسی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و قضایی اشاره کرد و هر کدام از ابعاد جدای از اهمیت ذاتی خود در تحقق عدالت نیز موثرند. لذا، منطقی که بر الگو و مدل سیاست‌گذاری فرهنگی کشور باید حاکم باشد در واقع از محل برخورد ارزش‌های فرهنگی با مسائل پایدار فرهنگی محقق خواهد شد. یعنی سیاست‌گذاری فرهنگی کشور نباید تنها بر اساس آرمان‌ها و اهداف فرهنگی که اغلب بسیار انتزاعی هستند صورت پذیرد، بلکه در سیاست‌گذاری باید واقعیت‌های فرهنگی موجود که همان مسائل فرهنگی کشور هستند نیز مدنظر قرار گیرند.

در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از روش مطالعه تحلیلی و تطبیقی جایگاه عدالت در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه با نقش و جایگاه عدالت در مدل‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی موردبررسی و مقایسه قرار گیرد.

۴- مبانی پژوهش

منظور از الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی، رویکرد سیاست‌گذاران فرهنگی در استخراج سیاست‌های فرهنگی است. به عبارتی چگونه و از چه مسیری سیاست‌های فرهنگی تدوین می‌شوند. نکته قابل‌ذکر در این خصوص این است که شاید اصطلاح الگوی شناسایی سیاست‌ها کمی گمراه‌کننده باشد و خواننده تصور کند در فرایند سیاست‌گذاری الگوهایی به صورت مشخص وجود دارند. این در حالی است که تنظیم، کنترل و دستکاری در سیاست‌گذاری موضوعی است که برخی از اندیشمندان آن را تحت «نظریه آشوب» موردبررسی قرار می‌دهند. دلیل این عنوان وجود جریان‌های پیدا و پنهان قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موثر بر دستور کار، شرایط محیطی محلی، ملی و بین‌المللی و جایگاه خود سیاست‌گذاران است (مورن و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۹۳). در همین خصوص کینگ‌دان یکی از اندیشمندان سیاست‌گذاری عمومی، سه جریان را موثر بر تنظیم دستورکار سیاست‌گذاری می‌داند که عبارتند از:

جریان مسائل؛ که در ارتباط با مشکلات و معضلات یا چالش‌ها و موضوعاتی است که موردتوجه جامعه واقع شده‌اند. توده مردم، نخبگان، گروه‌ها و احزاب ذی‌نفوذ با حساسیت، علت‌ها یا دلایل و نتایج یا پیامدهای مسئله را موردبررسی، گفتگو و مذاکره قرار می‌دهند. رویدادها و حوادث به وجود آمده و نقص یا کمبود ایجادشده از زوایای مختلف مورد ریشه‌یابی و تحلیل قرار می‌گیرد. سیاست‌گذار تلاش می‌کند فرایند شکل‌گیری، روابط علت و معلولی سلسله پیامدها و نتایج را در ارتباط با تصمیمات و سیاست‌های قبلی موردسنجش قرار دهد.

جریان سیاست‌ها؛ عمدتاً بر روی نحوه حل مسئله متمرکز است. این جریان از طریق به‌کارگیری تکنولوژی حل مسئله، روش‌ها و الگوهای تصمیم‌گیری با قانع‌سازی افکار عمومی سروکار دارد. همچنین از طریق جلب مشارکت مردم، نظرات کارشناسان، تحلیل‌گران و صاحب‌نظران دریافت گردیده و راه‌حل‌های مقتضی اتخاذ می‌گردد. راه‌حل بیشتر متکی به واقعیت‌ها و امکانات است و از درون مسئله استخراج می‌شوند.

جریان سیاسی؛ از طریق رقابت‌های سیاسی و بده بستان گروه‌های ذی‌نفوذ شکل می‌گیرد. جریان‌های سیاسی رقیب از طریق تعامل و همکاری یا فشارهای ناشی از رقابت در تلاش برای پذیرش یا رد یک دیدگاه می‌باشند. جامعه از وجود چنین نیروهایی آگاهی دارد و خود این جریان نیز از طریق اعلان نظر و اتخاذ موضع، طرف‌های درگیر یا رقیب را به جامعه معرفی می‌کند. عوامل موثر نیز با تشکیل گروه‌های موافق یا مخالف به تقابل یا تبادل نظر پرداخته و میزان نفوذ آنها نتیجه را مشخص خواهد کرد. (غلامپور آهنگر، ۱۳۹۶: ۸۸-۸۷)

تلاقی و تلفیق این سه جریان باعث هماهنگی راه‌حل‌ها و تطبیق آنها با سیاست‌ها و عقاید عمومی و روحیه ملی می‌گردد. تاثیر محیط‌های قانونی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این مدل را انعطاف‌پذیر نموده است. از نظر کینگ‌دان این جریان‌های

سه‌گانه در مسیرهای جداگانه و کم‌وبیش مستقل از یکدیگر عمل نموده تا لحظه‌ای که با هم تلاقی می‌نمایند (ایوستیس، ۲۰۰۰: ۳). با توجه به این امر، شناسایی الگو برای ساده‌سازی فهم روندهای سیاست‌گذاری است. از این جهت باید گفت که الگوهای شناسایی سیاست‌های فرهنگی در ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی در کلیت خود چندان تفاوتی با دیگر حوزه‌های اجتماعی ندارد. در اینجا اگر بخواهیم الگوهای شناسایی سیاست‌های فرهنگی را در کشور بررسی کنیم باید با توجه به وضعیت و منشأ مسائل و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان ساختار قانونی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مسائل بسیاری در دستور کار سیاست‌گذاران فرهنگی بوده، غالباً انتخاب چنین دستورکارهایی با رویکردهای میراث‌دارانه و حفظ و تقویت دولت مرکزی همراه بوده است. این دستورکارها همواره در دو گفتمان اصلی بروز یافته‌اند و در سپهر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هنوز وجود دارند؛ گفتمان‌های «تهاجم فرهنگی» و «تعامل فرهنگی» می‌باشند. این دو گفتمان بنیان‌ها و سازوکارهای اجرایی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران پس از انقلاب را برای یازده دوره سیاست‌گذاری فرهنگی در دولت تعریف کرده‌اند.

در گفتمان تهاجم فرهنگی بر وجود دیگرانی تاکید می‌شود که همواره در پی صدمه زدن به بنیان‌های دولت و ملت ایران می‌باشند. سیاست‌گذاران نیز سیاست‌هایی اتخاذ کرده و می‌کنند که در پی منع و یا پاسخگویی به تولیدات و محصولات عرضه‌شده از سوی این اغیار باشد. غالب سازوکارهای تعیین‌شده در این گفتمان در سازمان‌ها و نهادهای دولتی یا وابسته به آن قرار داده‌شده‌اند. مسائل کلانی که در این گفتمان مطرح می‌شوند شامل؛ ارزش‌هایی که در خطرند، روزه‌های ورود و هجوم بیگانگان، تولید محصولات داخلی در قالب‌های مبتنی بر سیاست‌های اعلانی، نظارت حداکثری بر فعالیت‌ها و فعالان فرهنگی و هنری، کارگزاری که همراه نیستند و تقویت و بازنمایی نمادها و موضوعات مرتبط با مبانی انقلاب و جمهوری اسلامی است.

در مقابل گفتمان تعامل فرهنگی با تاکید بر ضرورت ارتباط با فرایندهای فرهنگی جهانی و لزوم حضور در این عرصه و معرفی داشته‌های داخلی، در پی گستراندن سطح ارتباطات و مبادلات فرهنگی و هنری با کشورهای جهان با تقویت بنیان‌های تولید فرهنگی و هنری در داخل است. در این گفتمان فرهنگ ایرانی به‌عنوان یک فرهنگ دارای مختصات و هویت مستقل در میان فرهنگ‌های دیگر است که از پشتوانه‌های برتر دینی و تاریخی برخوردار است. مهم‌ترین مسائلی که در این گفتمان مطرح است شامل: تقویت نهادهای مدنی در حوزه فرهنگ و هنر، نحوه تبادلات فرهنگی با حجم بیشتری از کشورها، تسهیل فرایندهای تولید و عرضه محصولات فرهنگی، تبیین نسبت دولت و فرهنگ، تقویت و بازنمایی نمادها و موضوعات ایران از باستان تا به امروز می‌باشد. در هر دو این گفتمان‌ها دولت و کارگزاران دولتی مهم‌ترین عوامل به شمار می‌آیند. به عبارتی در هر دوره‌ای از سیاست‌گذاری فرهنگی که مبتنی بر هر کدام از این گفتمان‌ها بوده، دولت نقش اصلی را برای خود قائل بوده است (همان: ۱۱۷-۱۱۹).

اما با وجود چنین گفتمان‌هایی که در سیاست‌های فرهنگی کشور دنبال می‌شده در سند سیاستی بالادستی فرهنگی کشور یعنی؛ نقشه مهندسی فرهنگی کشور تلاش گردیده تا این دو گفتمان در کنار گفتمان‌های دیگری در نظام مدیریتی فرهنگی کشور لحاظ شود. و در واقع نقشه مهندسی فرهنگی کشور، سندی تمام شمار در عرصه مسائل و موضوعات متنوع فرهنگی و همچنین تعامل فرهنگ با ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

۵- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره عدالت در نهج‌البلاغه از سوی محققان مختلف در قالب مقالات، کتب، سخنرانی و رساله‌های آموزشی صورت پذیرفته است، اما کاوش علمی که ردپای رویکرد علی(ع) به عدالت را در جریان سیاست‌گذاری معاصر پرداخته باشد، دیده نشده است. سبحانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با موضوع بازشناخت موانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی از منظر نهج‌البلاغه با بررسی بیانات امام علی(ع) در پاسخ به موانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی، خودبرتری و خود استکباری را علت اصلی مانعیت اجرای عدالت در جامعه می‌داند. زیوری و دیگران (۱۳۹۹) در تحقیق با عنوان تحلیل محتوای قیاسی رابطه دینداری و عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه نشان می‌دهند که دیدگاه علی(ع) نسبت به

دینداری و عدالت اجتماعی با هم هماهنگ است از این جهت که با دور شدن از تفکرات رادیکال مذهبی و سیاست‌های یک‌جانبه لیبرالیستی و سوسیالیستی در جهت توازن زندگی این جهانی و آن جهانی حرکت می‌کند. سلیمانی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان بازخورد حضرت علی(ع) با دو مفهوم ستم و عدالت در ساختار جامعه نشان می‌دهد که امام(ع) به‌عنوان متفکری تیزبین در جهان پر آشوب عصر خود، با راهکارهای سیاسی- اجتماعی خاص در پی کسب آزادی، عدالت و حقوق فردی و نشان دادن راه‌های وصول به آن و نگهداری از آن بود. بیشترین مفاهیمی که از دل نهج‌البلاغه برمی‌آید، آگاهی امام علی و شیوه درست جامعه‌شناسی و انسان‌مداری است. حضرت از وجود ظلم و ستم بر مسلمانان فغان می‌کرد و سعی تمام بر این داشت که بذر گناه، بی‌عدالتی، ظلم و تعدی را در جامعه بخشکاند. عطاشنه و کیانی (۱۳۹۸) در تحقیق با عنوان عدالت ترمیمی در اندیشه امام علی(ع) نشان می‌دهد که عدالت ترمیمی در دیدگاه علوی جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد و مصادیق مختلفی از عدالت ترمیمی مدنظر ایشان می‌باشد. تاسیساتی از قبیل بزه پوشی، اصلاح ذات‌البین، شرمساری، ماهیت جبرانی دیه و پرداخت آن از بیت‌المال و میانجی‌گری محوریت گفتمان علوی عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهند. معمار (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی(ع)" نشان می‌دهد که مفهوم عدالت، کلیدی‌ترین و بارزترین مفهوم در نظام فکری و رویه سیاسی و اجتماعی می‌باشد. احمدی (۱۳۹۱) در کتاب عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه به بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی عدالت اجتماعی از منظر علی(ع) پرداخته است. پورعزت (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان "طراحی و تبیین سیستم خط‌مشی گذاری حق مدار برای تحقق عدالت اجتماعی بر اساس نهج‌البلاغه" نظام منطقی با پنج اصل و نوزده قضیه معرفی می‌کند و از جریان خط‌مشی گذاری برای طراحی سیستمی قابل اجرا در وضعیت موجود جوامع انسانی استفاده می‌کند.

مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های دیگر از این جهت متمایز است که به تحلیل محتوای جایگاه عدالت در سیاست‌گذاری فرهنگی معاصر و در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌عنوان سند بالادستی سیاست‌گذاری فرهنگی کشور با رویکرد و چشم‌انداز مولا علی(ع) به جایگاه عدالت می‌پردازد.

۶- روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کیفی، تحلیل ثانویه و مطالعه اسنادی است که به روش توصیفی- تحلیلی به دنبال تحلیل محتوای نهج‌البلاغه و سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور باهدف بررسی جایگاه عدالت در دو سند مذکور است. لذا، در این پژوهش روش تحقیق با توجه به‌عنوان و هدف روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای است که توسط یکی از برجسته‌ترین محققان تعلیم و تربیت تطبیقی به نام "جرج. زد. اف. بردی" بنا شده است. این روش شامل چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه است. به اعتقاد بردی پژوهش‌گر باید به توصیف نموده‌ها و پدیده‌های مورد تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف چه از طریق مشاهده مستقیم و چه از طریق اسناد و گزارش‌های دیگران به دست آورده بپردازد. پس از آن به واری‌های اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته و اطلاعات را طبقه‌بندی کرده و چهارچوبی فراهم سازد که راه را برای مقایسه تشابهات و تفاوت‌های پدیده مورد تحقیق هموار می‌سازد. (آقازاده، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶). لذا تحقیق حاضر با این رویکرد در تلاش است تا حد امکان تفاوت نگاه مولا علی(ع) را به جایگاه عدالت در نظام حکمرانی یک جامعه اسلامی و نگاهی که نظام حکمرانی فرهنگی ما در کشور به عدالت اختصاص داده مورد بررسی تطبیقی قرار دهد.

۷- بحث

۷-۱- جایگاه عدالت از منظر علی(ع)

از میان همه خصوصیات و فضایل اعلای امیرالمؤمنین علی(ع)، شاید اعجاب‌آورترین آنها عدالت ایشان را می‌توان بیان کرد که آن حضرت نه تنها در بیان و در بعد فردی، بلکه در عمل فردی و در جامعه و مسند حکومتی و مدیریتی نیز در هیچ شرایط و موقعیتی، از اعمال آن فرو نگذارد است. به این سبب، کنکاش در زوایای بیان نظری و سیره عملی آن بزرگوار در

مسئله عدالت برای جامعه‌ای که می‌خواهد پایه‌های حکومتی و مناسبات اجتماعی خود را بر مبنای دینی و دستورات الهی پایه‌گذاری کند بسیار ضروری است. در این بخش مصادیق عدالت را در بیانات امیرالمؤمنین (ع) نشان می‌دهیم.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: دین‌داری و امانت‌داری خویش را باانصاف به نفس خود و رعایت عدالت در مورد مردم حفظ کن (آمدی، بی‌تا: ۱۸۰). درجایی حضرت فرموده‌اند: عدالت بوز تا قدرتت تداوم پیدا کند (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). عدالت داشت باش تا حکومت کنی (آمدی، بی‌تا: ۶۸). حکومت عادل از واجبات است (همان: ۱۷۷). عدالت نظام حکومت‌داری است (همان: ۲۰). معیار و میزان سیاست عدالت است (همان: ۳۱۵). عدالت زیبایی و زینت زمامدار است (همان: ۵۰). زیبایی سیاست به عدالت حکومت کردن است (همان: ۱۶۵). هر کس به عدالت رفتار کرد خداوند پایدار و محکم کرد ملک و حکومت او را و هر کس به ظلم و ستم رفتار کرد خداوند در هلاکت او تعجیل کرد (همان: ۲۸۶). هیچ‌چیزی مانند عدالت حکومت را پایدار و محکم نمی‌کند (همان: ۳۰۹). عدالت سپر بلای حکومت‌هاست (همان: ۴۷). دولت‌ها با اقامه عدالت ثبات و پایداری می‌یابند (همان: ۱۶۲). عدالت اساس و پایه است و قوام عالم به این پایه می‌باشد (مجلسی، ج ۷۸: ۸۳). عدالت قوی‌ترین پایه و بنیان است (آمدی، بی‌تا: ۲۱). از نشانه‌های عقل این است که به روش عدل عمل شود (همان: ۳۰۶). از شرایط اجرای عدالت جلوگیری و نهی از ظلم و ستم است (همان: ۳۰۴). با اجرای عدالت با جور و ظلم مبارزه و دشمنی کنید (آمدی، بی‌تا: ۲۰۵). جور و ستم و ظلم ضد عدل است (همان: ۱۵). و مردم اصلاح نمی‌شوند مگر به‌وسیله اجرای عدالت (همان: ۲۹). این جمله را کسی می‌فرماید که بیشتر از هر چیزی باتقوای الهی مانوس است اما نفرموده‌اند مردم اصلاح نمی‌شوند مگر باتقوا یا تاکید بر رعایت شریعت و ظواهر آن کنند. حال مردم اصلاح نمی‌شود مگر با درنظر گرفتن عدالت در تمامی جنبه‌ها و ابعاد جامعه، کسی که خودش در اوج قدرت با فقر و سختی زندگی می‌کند و خود مثل ضعیف‌ترین طبقات اجتماع زندگی می‌کند و دائما در میان محرومین بوده و می‌داند چه چیزی موجب اصلاح و چه چیزی موجب فساد مردم می‌شود. دلیل این امر آن است که اجرای عدالت موجب از بین رفتن فقر شده و زمانی که فقر ریشه‌کن شود مردم به‌دلخواه خود دنبال شریعت و اجرای احکام دینی و اجتماعی می‌روند. ممکن است افراد کمی باشند که باوجود فقر و تبعیض و بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی در جامعه همچنان عملکرد درستی داشته باشند، اما اکثریت چنین نیستند. پس اجرای عدالت درزمینه اقتصادی، قضاوت، توزیع درآمد و ثروت موجب اصلاح امور امت و گسترش دین و اعتماد به حاکمیت می‌شود.

حضرت علی (ع) عدل را عامل زندگی و حیات تمام احکام الهی می‌داند (حکیمی، ۱۳۷۸: ج ۳). یعنی اگر ما عدالت را در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ساری و جاری سازیم و مردم لذت آن را بچشند، با رغبت و میل احکام و برنامه‌های دینی و اجتماعی خویش را انجام خواهند داد. لذا از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)، زنده‌بودن جامعه به اجرای عدالت است. هیچ‌چیز مانند عدل شهرها را آباد نمی‌کند (همان).

حضرت در حکمت ۵۳ می‌فرماید: برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه مردم نسبت به آنهاست. از حضرت سوال شد که عدالت یا سخاوت کدام برترند؟ فرمودند: عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد ولی سخاوت آن را از مسیرش فراتر می‌برد. عدالت قانونی همگانی است ولی سخاوت جنبه خصوصی دارد، بنابراین عدالت شریف‌تر و برتر است (حکمت/ ۴۹۷).

اجرای عدالت را در سیره علی (ع) نیز شاهدیم. ایشان عدالت اقتصادی را در رابطه با خویشاوندان خویش رعایت می‌کنند و هیچ مزیتی را برای خویشاوندان حتی در زمانی که در بالاترین جایگاه قدرت هستند و دسترسی به اموال عمومی دارند، نسبت به دیگران قائل نمی‌شوند و هیچ تبعیضی تحت هیچ شرایط و عنوانی در نظر ایشان پذیرفته نیست. ایشان در تقسیم بیت‌المال، عدالت را رعایت کرده و از هرگونه تبعیض به لحاظ مقام، امتیازات خاص و تفاوت‌های نژادی به دور بودند. ایشان عدالت توزیعی در امکانات را حتی برای دورترین نقاط کشور رعایت و تاکید می‌کردند (نامه/ ۵۳).

۷-۲- بررسی تطبیقی جایگاه عدالت از منظر علی (ع) و سیاست‌گذاری فرهنگی معاصر

حضرت علی (ع) عدالت را اساس و پایه دانسته و قوام عالم را بر اساس این پایه می‌داند. لذا نگاه و رویکرد امیرالمؤمنین به عدالت به‌عنوان گفتمان حاکم بر تمامی عرصه‌های زندگی است. چنانچه بخواهیم این رویکرد را به حوزه فرهنگ و ارزش‌های

اساسی همچون هویت، حیات و امنیت فرهنگی تسری دهیم، تمامی این ارزش‌ها تحت تاثیر گفتمان عدالت مولا علی(ع) قرار دارند و هیچ حوزه‌ای خالی از عدالت محوری نخواهد بود. چنانچه قائل به این امر باشیم که اصل عقلانیت بر اساس اصول نقشه مهندسی فرهنگی کشور بر نظام سیاست‌گذاری فرهنگی باید حاکم باشد، پس در انطباق با این سخن حضرت علی(ع)، نشانه عقلانیت در روش به عدل است.

بنابراین، عدالت در همه جریان‌های زندگی باید جاری و ساری گردد. از طرفی حضرت علی(ع) عدل را عامل زندگی و حیات تمامی احکام می‌دانند. پس اگر عدالت را در همه ابعاد سیاست‌گذاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لحاظ کنیم و مردم لذت آن را بچشند با رغبت و میل سیاست‌ها و برنامه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی خود را انجام خواهند داد. از این‌رو، از منظر امیرالمومنین علی(ع) زنده‌بودن جامعه به اجرای عدالت و حاکم بودن گفتمان عدالت محوری بستگی دارد.

در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌عنوان عالی‌ترین و اصلی‌ترین سند سیاست‌گذاری فرهنگی، غلبه نگاه تربیتی دیده می‌شود که سیاست‌گذاران به دنبال اتخاذ تدابیری مختلف جهت پرورش شهروندانی هستند که دارای کنش‌ها و رفتارهای متعالی بوده و با مبانی دینی نیز همخوانی داشته باشد. البته در یک جامعه دینی که تحت نظارت و حکمرانی نظامی دینی است چنین نگاهی کاملاً توجیه‌پذیر است. لذا نگاه به عدالت به‌عنوان یکی از گفتمان‌های مهم در عرصه تربیتی در جامعه دینی در سند نقشه مهندسی فرهنگی نیز قابل‌ردیابی است. جدول زیر جایگاه عدالت را در نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌عنوان بالاترین سند سیاست‌گذاری فرهنگی نشان می‌دهد.

جدول ۱ جایگاه عدالت در ارکان نقشه مهندسی فرهنگی کشور

ارکان نقشه	مستند	سیاست فرهنگی
مبانی	مبنای فرهنگ‌سازی مطلوب و حاکم بر فرهنگ کشور؛ «توحید، عدل، نبوت، امامت، ولایت و انتظار منجی و احکام اسلام ناب محمدی (ص) است (شماره ۱۲).	هویت فرهنگی
ارزش‌ها	فرهنگ اسلامی-ایرانی، ضد استکباری، مظهر عدالت‌خواهی و حامی مستضعفان و مظلومان در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی است (شماره ۱۵).	امنیت فرهنگی
اصول	عدالت، منشا توازن و مواسات در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و مبنای برخورداری آحاد جامعه از فرصت‌های برابر است (ارزش شماره ۴-۲ مرتبط باایمان)	حیات فرهنگی
چشم‌انداز فرهنگی	اصل عدالت: استفاده همگان از فرصت‌ها، امکانات و خدمات فرهنگی و انجام فعالیت‌های فرهنگی متناسب بااستعدادها، نیازها و ظرفیت‌ها در همه عرصه‌ها و سطوح رعایت شود.	حیات فرهنگی
اهداف کلان فرهنگی	پیشتاز در اخلاق و رفتار حسنه سیاسی؛ برخوردار از وحدت و امنیت ملی، عدالت محوری، استقلال فرهنگی و آزادی مسئولانه، مشارکت و مسئولیت‌پذیری سیاسی	هویت فرهنگی
اولویت‌های فرهنگی	دارای جایگاه نخست در عرصه هنر؛ مبتنی بر حکمت اسلامی، تحکیم‌بخش ایمان و احیاگر فطرت بشر و عدالت، مردمی، مروج اخلاق و متعهد به ارزش‌های انقلاب اسلامی و گسترش بخش هنرهای سنتی ارزشمند	هویت فرهنگی
راهبردهای ملی	الهام‌بخش امت اسلامی و مستضعفان با تعامل فرهنگی موثر و سازنده در سطح جهانی مبتنی بر شوق آفرینی نسبت به اسلام ناب محمدی (ص)، عدالت، صلح و امنیت جهانی، حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها، رفاه عمومی، اخلاق و معنویت، خانواده و امید به فرجام نیک جهان	امنیت فرهنگی
	نهادینه شدن فرهنگ عقلانیت، معنویت، عدالت و شایسته محوری در نظام‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی (هدف شماره ۷)	هویت فرهنگی
	در عرصه اخلاق و فرهنگ سیاسی؛ وحدت، امنیت و اقتدار ملی حول ولایت‌فقیه، سلامت اداری، مردم‌سالاری دینی، مشارکت عمومی و عدالت اجتماعی، استقلال‌خواهی و آزادی مشروع و قانونمند	هویت فرهنگی
	فراهم آوردن زمینه‌های اجرای صحیح، دقیق، عادلانه، موثر و پیوسته قوانین و مقررات (راهبرد کلان ۶، راهبرد ملی ۱)	حیات فرهنگی
	ترویج مشتری محوری و تحقق عدالت در تخصیص و توزیع منابع ثروت و دسترسی به فرصت‌ها، کالاهای و خدمات (راهبرد کلان ۸، راهبرد ملی ۲)	حیات فرهنگی
	تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی در زمینه‌هایی همچون عدالت، صلح،	هویت فرهنگی

ارکان نقشه	مستند	سیاست فرهنگی
	امنیت جهانی، آزادی، اخلاق و معنویت، زن و خانواده، حاکمیت توحید و عدالت در جهان و امید به تاریخ و فرجام نیک جهان (راهبرد کلان ۱۱، راهبرد ملی ۱)	سیاست فرهنگی
	بهره‌گیری موثر از ظرفیت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، ملل، ادیان و جریان‌های عدالت‌خواه با تاکید بر مشترکات (راهبرد کلان ۱۱، راهبرد ملی ۷)	امنیت فرهنگی
	تامین عدالت آموزشی و توجه به مقتضیات سنی کودکان در آموزش (راهبرد کلان ۳، اقدام ۵-۳۴)	حیات فرهنگی
	ایجاد ائتلاف‌ها و قطب‌های رسانه و حمایت مستمر و همه‌جانبه از رسانه‌های دولتی و غیردولتی پشتیبان نهضت‌های اسلامی، مبارزان ضد استکباری و عدالت‌خواه همسو (راهبرد کلان ۱۰، اقدام ملی ۵)	امنیت فرهنگی
اقدامات ملی	طراحی و تبیین و ترویج گفتمان جهانی‌شدن با رویکرد جهانی‌شدن عدالت و انتظار و صلح (راهبرد کلان ۱۱، اقدام ملی ۱)	امنیت فرهنگی
	تقویت عدالت اجتماعی و جلوگیری از توسعه شکاف طبقاتی و افزایش کارکردهای رفاه اجتماعی نهادهای وابسته به نظام (راهبرد کلان ۱۳، اقدام ملی ۷)	حیات فرهنگی

همان‌طور که خروجی جدول فوق نشان می‌دهد، ردپای عدالت در هر سه حوزه ارزشی فرهنگ یعنی، هویت و حیات و امنیت فرهنگی قابل‌ردیابی است. اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور گفتمان عدالت بیشتر در ارکانی مثل مبانی، اصول، ارزش‌ها، اهداف و چشم‌انداز فرهنگی نقشه که در واقع آرمان‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی را برجسته می‌کنند، دیده می‌شود. دقیقاً جایی که باید عدالت محوری عملیاتی شده و جلوه اجرایی بیابد یعنی در راهبردها و اقدامات شاهد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ضعیفی برای تحقق عدالت و زمینی و اجرایی شدن آن هستیم. نقشه مهندسی فرهنگی کشور ۱۳ راهبرد کلان فرهنگی، ۱۰۴ راهبرد ملی و ۳۰۳ اقدام ملی دارد که تنها طبق یافته‌های جدول بالا هشت راهبرد و اقدام ملی به موضوع عدالت پرداخته است.

۸- نتیجه‌گیری

سیاست‌گذار فرهنگی باید هنرمندانه سیاست‌هایی را برگزیند که تنها به حفظ و نگهداشت اصول، ارزش‌ها و هنجارها و بازمانده‌هایی که از گذشتگان به ارث رسیده، منحصر نشود. بلکه گذشته را با طرح‌هایی نو و شوق‌آفرین برای انسان‌های امروز بازآفرینی کند. چنین سیاست‌گذاری قدر و منزلت آنچه از گذشته به او رسیده را می‌داند و برای آنکه به حفظ آن کمک کند تنها به نگهبانی اکتفا نمی‌کند و تمام هنر و همت خود را به کار می‌بندد تا با پا گذاشتن بر دوش داشته‌هایش آینده‌ای روشن را بیافریند که منجر به کمال انسانی، انسجام اجتماعی، عزت‌نفس جمعی و پویایی عمومی شود. از این‌رو برای صورت‌بندی سیاست‌های فرهنگی در ابتدا باید نگاه و رویکرد و گفتمان اصلی و مهم خود را برای پیشرفت فرهنگی در کشور مشخص نماییم. این امر از طریق نگاه بزرگان و اندیشمندان و صاحب‌نظران موفق در عرصه حکمرانی همچون مولا علی(ع) و سیره ایشان در نهج‌البلاغه به‌عنوان منبع ارزشمندی برای حکمرانی و سیاست‌گذاری قابل تحقق است.

اگر بپذیریم که عرصه‌های مختلفی در جامعه وجود دارد و نهادهای مختلفی بر زندگی انسان موثرند پس باید در سیاست‌گذاری فرهنگی نیز تعامل فرهنگ در ارتباط با اجتماع، سیاست و اقتصاد، هنر و رسانه را تحلیل و صورت‌بندی کنیم و گفتمان حاکم خود در نظام سیاست‌گذاری را که می‌تواند همچون مولا علی(ع)، عدالت محوری باشد برای تحقق صحیح سیاست‌های فرهنگی لحاظ کنیم.

از طرفی، یکی از عوامل موثر در بالا بردن دقت سیاست‌گذاری فرهنگی توجه به مسائل و واقعیت‌های عینی موجود در جامعه است. به تعبیری باید از تفسیرهایی که صرفاً ناشی از ذهنیات یک یا چند سیاست‌گذار است پرهیز شود و به استناد واقعیات ملموس به تجزیه و تحلیل مسائل روز پرداخت. از منظر علی(ع) یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل روز جامعه، عدالت محوری در تمامی ارکان زندگی اجتماعی است و طبق تحقیق سبحانی (۱۳۹۹) از موانع تحقق عدالت در حکومت اسلامی، خودبرتربینی است. پس اگر قرار باشد عدالت به‌عنوان یک اصل در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی دنبال شود نباید خود برتربینی

عده‌ای سبب شود که عدالت تنها در سطح ذهنی و آرمانی باقی بماند. تحقق عینی عدالت در جامعه از مسیر راهبردها و اقدامات فرهنگی عملیاتی شده و میسر خواهد شد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در سند بالادستی فرهنگی کشور، یعنی نقشه مهندسی فرهنگی کمتر اقدام یا راهبرد ملی در رابطه با ساری و جاری شدن عدالت در نظام فرهنگی کشور دیده می‌شود. تنها چهار اقدام ملی از ۳۰۳ اقدام ملی موجود در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور به موضوع عدالت پرداخته است در صورتی که طبق نظر مولا علی (ع) عدالت باید کلیدی‌ترین مفهوم در نظام فکری، سیاسی و اجتماعی باشد همان‌طور که معمار (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود به آن اشاره کرده است.

بنابراین، فرهنگ بار اصلی تولید و تداوم ارزش‌های یک قدرت سیاسی اثرگذار را بر دوش می‌کشد و عدالت محوری‌ترین عنصر سازنده آن است. از این رو، سیاست‌گذار فرهنگی با الگو از مولا علی (ع) می‌تواند با آگاهی از شیوه‌های درست جامعه‌شناسی و انسان‌مداری، عدالت را در ساختار جامعه نهادینه سازد و اگر نتواند در تنظیم این امر به‌درستی عمل کند قدرت نرم به سمت قدرت سخت برای حفظ نظام تمایل پیدا کرده و موجبات جدایی ملت از دولت را همان‌گونه که تاریخ نشان داده رقم خواهد زد.

در پایان باید گفت نظام سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین نظام اجتماعی نمی‌تواند تنها در بیان و شعار مورد توجه قرار گیرد، بلکه لازم است تا با تقویت بهتر این نظام و توجه به ابعاد اثرگذاری آن در امر توسعه، امنیت و هویت بخشی به جامعه، جایگاه ویژه‌ای برای آن در برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر آوریم. به تعبیر مقام معظم رهبری «بایستی نگاه معقول اسلامی را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن را بر طبق ضوابطی که معارف و الگوهای اسلامی به ما نشان می‌دهد، تنظیم کرد».

۹- منابع

- نهج‌البلاغه (بی‌تا)، دکتر صبحی صالح، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، انتشارات هدف.
- آشنا، حسام‌الدین و همکاران. (۱۳۹۷). *از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی، چارچوب پیشنهادی برای جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقازاده، (احمد). (۱۳۸۲). *آموزش و پرورش تطبیقی*، تهران، انتشارات سمت.
- آمدی، عبدالواحد. (بی‌تا). *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، نشر خلیج.
- بارکر، کریس. (۱۳۸۷). *مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۷۸). *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زیوری، معصومه؛ نوری، هادی؛ غلامی، محمدرضا؛ قاسمی روشن، ابراهیم. (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای قیاسی رابطه دینداری و عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، سال ۸، شماره ۳۲، ص: ۴۱-۶۰.
- سبحانی فر، محمد جواد و مردمی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «عدالت اجتماعی در فرهنگ علوی»، *دو فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشگاه امام حسین (ع)*، سال دوم، شماره ۶، ص: ۱۷۹-۲۰۴.
- سبحانی یامچی، محمد. (۱۳۹۹). «بازشناخت موانع اساسی اجرای عدالت در حکومت علوی از منظر نهج‌البلاغه»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، سال ۸، شماره ۳۱، ص: ۴۱-۵۸.
- سلیمانی، صدیقه؛ عالی عباس آباد، یوسف؛ آریان، حسین. (۱۳۹۸). «بازخورد حضرت علی (ع) با دو مفهوم ستم و عدالت در ساختار جامعه»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، سال ۷، شماره ۲۷، ص: ۲۵-۴۳.
- عطاشنه، منصور؛ کیانی، امین. (۱۳۹۸). «عدالت ترمیمی در اندیشه امام علی (ع)»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، سال ۷، شماره ۲۷، ص: ۹۹-۱۱۶.

- غلامپور آهنگر، ابراهیم. (۱۳۹۶). مسئله شناسی در حوزه فرهنگ، معاونت مدیریت و توسعه منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ ه.ق). اصول کافی، دارالکتاب الاسلامیه.
- مجلسی، علامه محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق)، بهارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- مورن، مایک و رین، مارتین و گووین، روبرت. (۱۳۹۳). دانشنامه سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه محمد صفار، نشر میزان.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور. (۱۳۹۳). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- - همیلتون، پیتر. (۱۳۸۰). شناخت و ساختار اجتماعی، ترجمه حسن شمس آوری، نشر مرکز.